

جدول شماره ۱:

وضعیت شغلی سال فارغ‌التحصیلی	تعداد و درصد	دولتی	شاغل غیردولتی	آزاد	بیکار	بدون جواب
۱۳۶۸	تعداد	۳۹	۳	۳	۲۲	۲
۱۳۷۳	درصد	۵۶/۶	۴/۳	۴/۳	۳۱/۹	۲/۹
	تعداد	۶۳	۵	۰	۴۰	۲۸
درصد	درصد	۴۶/۳	۳/۷	۰	۲۹/۴	۲۰/۶

جدول شماره ۲:

مقایسه میزان متوسط رشد دانشجو در کشور با متوسط رشد سرمایه‌گذاری ملی به قیمت ثابت

متوسط میزان رشد	سال ۷۵–۷۴	سال ۷۱–۷۰
٪۹	۴۷۸۴۵۵	۳۴۴۰۴۵
٪۳	۲۲۸۸/۷	۱۹۴۲/۹

طبق آمار ارائه شده درحال حاضر در کشورمان ۳ میلیون نیروی کار وجود دارد که ۹ درصد آنها را دانش‌آموختگان دانشگاهی تشکیل می‌دهند. این در حالی است که هر سال بیش از ۲۰۰ هزارنفر فارغ‌التحصیل به این جمعیت اضافه می‌شود.

کارشناسان معتقدند که عمده‌ترین نرخ دانشجویان بیکار را باید در دههٔ ۷۵–۶۵ جست و جو کرد زیرا در این دوره بود که شمار دانشجویان تقریباً ۵ برابر شد. طبق گزارشات سالانه بانک مرکزی جمهوری اسلامی تعداد دانشجویان، طی سال‌های تحصیلی ۷۶–۷۵ حدود ۱۱۹ هزار و ۵۰۰ نفرعنوان شده که ازاین تعداد ۴۸/۶ درصد متعلق به دانشگاه‌های دولتی و ۵۱/۴ درصد ازدانشگاه‌های آزاد و غیردولتی بودند.

از سوی دیگر آمار غیررسمی نرخ رشد بیکاری در کشور را بین ۱۵ تا ۱۷درصد در سال عنوان کرده‌اند با این حال ما همچنان شاهدیم که آمار رسمی رشد بیکاری را ۱۳ تا ۱۴ درصد بیان می‌کنند! تنها در سه ماه اول سال ۸۰ این رشد به ۱۴/۲۲ درصد رسید.

گذشته از آمار فوق مسئله دیگری که باید به آن توجه کرد، این نکته است که کشور ما سالانه نیازمند ۷۶۰ هزار شغل جدید است. برای رسیدن به این هدف باید رشد اقتصادی بالای ۸–۷

آمد.
امامی دانم بعد از اتمام درس وقتی ادامه آن تا مقاطع بالاتر کاری نمی‌توانم انجام دهم جز تدریس و یا به دنبال کاری غیر از رشته‌ام رفتن ، نمی‌دانم...».

آمار ارائه شده نشان می‌دهند که بیشترین تحصیلکرده‌های بیکار به رشتهٔ علوم انسانی و مهندسی کشاورزی تعلق دارند. این آمار اعلام می‌کند که ۴۷ درصد دانشجو در دانشگاه‌های دولتی و ۶۰درصد در دانشگاه‌های آزاد فاقد شغل هستند. کارشناسان در این خصوص می‌گویند، آنچه در دانشگاه‌ها درخصوص این رشته تحصیلی تدریس می‌شود کاربردی نبوده و صرفاً جنبه اطلاعات عمومی داشته‌است. از سوی دیگر رشته کشاورزی هم به‌علت اداره سنتی مزارع، بیکاری را در دانشجویان این رشته افزایش می‌دهد.

کیارش لبافی، ۳۲ساله و فارغ‌التحصیل رشته کشاورزی می‌گوید: «لیسانس مهندسی کشاورزی دارم ولی عملاً با این مدرک کاری ندارم و شغل فعلی‌ام کار با کامپیوتر است و ربطی به کشاورزی ندارد. شاید از همان ابتدا باید به رشته کامپیوتر می‌رفتم ولی قبولی در آن سخت بود و این رشته را قبول شدم الان حداقل یک لیسانس دارم هرچند که به‌درد هم نمی‌خورد!»

دکتر اصلان ضرابی، روانشناس و آسیب‌شناس اجتماعی دراین خصوص می‌گوید: «در اکثر نقاط دنیا بیکاری کمتر به چشم می‌آید زیرا افراد با مطالعه بیشتری ادامه تحصیل می‌دهند و یا حرفه‌ای را می‌آموزند. اما در ایران توجه چندانی به رشته تحصیلی ندارند، بدین معنی که افراد باتوجه به توانایی‌های فردی خود و نیاز بازار کار جامعه رشته‌ای را انتخاب کنند و درابتدا از خود بپرسند که آیا این رشته دانشگاهی بازارکار دارد یا خیر؟

با این مدرک بی‌کاری می‌شوید!

نگاهی به وضعیت تحصیلکردگان بی‌کار



می‌شوند به کشورهای محروم مثل آفریقا و… کوچ می‌کنند. به‌نظر من قبل از هرچیز باید به این مسئله هم متذکر بود که افراد باید بدانند که چه می‌خواهند و چه‌کار می‌کنند».

مهناز میهنی فارغ‌التحصیل رشته پزشکی دانشگاه آزاد می‌گوید: «پس از

اتمام درس باید طرح پزشکی را بگذرانم. طرح جزئی از رشته ما است، اما من خودم دوست ندارم به مناطق دورافتاده‌ای بروم که حتی آب و برق ندارند. البته اگر مجبور شوم می‌روم ولی ترجیح می‌دهم در شهرهای بزرگ باشم».

کارشناسان معتقدند یکی از مشکلات تحصیلکردگان علاوه بر مشکلات کلی بیکاری این است که آنان مدرکی با چهارسال دوره دانشگاهی را با خود همراه دارند. آنها علاوه بر

مدرک است که افراد را تقسیم می‌کنیم. مثلاً خود من زبان انگلیسی خواندم اما الان در یک شرکت صنایع سنگین کار می‌کنم و عملاً رشته‌ام و کارم به هم مربوط نیستند. شاید بهتر باشد که در این زمینه بیشتر فرهنگ‌سازی شود».

دکتر ضرابی به این نکته اشاره می‌کند که دوعامل اصلی مانع شده تا تحصیلکردگان نتوانند به موفقیت شغلی موردنظر خود برسند: ۱– توقعات را باید نسبت به شرایط موجود پایین بیاورند.

۲– باتوجه به دنزنگرفتن مشکلات بسنجند که آیا توانایی ورود به دانشگاه را دارند یا خیر.

هرسال برتعداد داوطلبین کنکور اضافه می‌شود. اگر بخواهیم آمار داوطلبین کشورمان ایران را با دیگر کشورها مقایسه کنیم باید گفت که به‌طور میانگین هرساله ما یک میلیون و ۹۰۰هزار نفر در ایران داوطلب داریم که درمقایسه با کشوری همچون انگلیس این تعداد به ۷۰هزار نفر در سال تنزل می‌کند.

دکتر «ضرابی» در این خصوص می‌گوید: «در زمینه تحصیل، دوست داشتن مطرح نیست بلکه توانایی مطرح است. ما باید به جوانان ونوجوانانمان بعد از اتمام دوره راهنمایی حرفه‌ای را آموزش دهیم تا در پایان مقطع متوسطه اگر خواستند همان رشته را ادامه می‌دهند و اگرنه حداقل حرفه‌ای آموخته‌اند. اما متأسفانه ما نه به بازار کار توجه داریم و نه به تقاضای کار».

«مریم پورمنصور» ۲۴ ساله و لیسانس علوم اجتماعی چنین معتقد است: «به نظر من مسئله بیکاری جوانان تحصیلکرده به نکته دیگری هم برمی‌گردد و آن این است که ما بنگاه‌های کاربایی سازمان یافته و شناخته‌شده‌ای نداریم. از این رو ادارات و مراکز نیازمند نیروی کار توانایی یافتن نیروی مفید را ندارند و افراد متخصص متقاضی نیز از نیاز این مراکز و ادارات، بی‌خبرند. شاید اگر بنگاه‌های کاربایی دقیق و متخصصی دایر شوند بتوان کاری از پیش برد».

بیکاری در افراد تحصیلکرده غیر از عواقب ذکر شده، مشکل عظیم دیگری را هم دارد تا جایی که «تقی یوسفی» لیسانس حقوق و در جست و جوی کار می‌گوید: «اتمام افراد فامیل توقع دارند من وکالت کنم. آنها انگار دلشان نمی‌خواهد شرایط مرا درک کنند و بدانند

برای وکالت کردن شرایط ویژه‌ای لازم است و شاهد هستم که هرجا می‌نشینند می‌گویند اگر مشکلی داشتید نگران نباشید. پسرمان وکیل است و مشکلاتمان را حل می‌کند».

از سوی دیگر عده‌ای از کارشناسان معتقدند یکی از عواملی که باعث شده تا تحصیلکرده بیکار داشته‌باشیم این است که تجربه نشان داده است که کارشناسی این افراد در مسائل مربوط به امور تخصصی شان به حد کافی نیست و نمی‌توانند از عهده آن برآیند.

علی عرضی ۴۵ ساله مهندس راه و ساختمان می‌گوید: «در طول کار با جوانان زیادی برخورد کردم که مدرک دارند ولی در حین کار شاهد هستم که کارایی لازم را ندارند برای همین به شخصه ترجیح می‌دهم از افراد با سابقه‌تر با مدرک تحصیلی پایین‌تر استفاده کنم».

اما در کل باید متذکر شد که علت اصلی بیکاری نابسامانی وضع اقتصادی است که شاید یکی از نشانه‌هایش بیکاری باشد چه در سطح عام و چه در قشر تحصیلکرده.

دکتر «ضرابی» به نکته دیگری نیز اشاره دارد و می‌گوید: «به مسئله دیگری که باید اشاره کرد همین مسئله پارٹی‌بازی است. چه بسیار دیده شده که افراد به علت داشتن فامیلی و یا دوستی بدون داشتن مدرک و تخصص خاصی سرکارمی‌روند و آنهایی که شایستگی بهتری دارند، بیکار هستند».

کارشناسان با تأیید تمامی موارد فوق به این نکته تأکید می‌کنند که فرهنگ سازی مهمترین و بهترین قدم در این زمینه است. آنان پیشنهاد می‌کنند که به جای فشار روانی بر کودکان خود می‌توانند توانایی‌های آنان را در زمینه فراگیری حرفه‌ای افزایش دهند. زیرا یک کشور همان طوری که به پزشک، مهندس، ریاضیدان، فیزیکدان و…نیاز دارد احتیاج به کفاش، نجار، نساج و…ماهر دیگری نیز دارد.

دوهرحال برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری، پرورش نیروهای متقاضی و ماهر و…می‌توانند راه‌کارهایی باشند برای آینده‌ای بدون بیکار و البته نباید از نظر دور داشت که بیکاری مشکل اصلی و اساسی بیشتر کشورهای دنیاست.